



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

در یکی، دوزخ گذشته لابه‌لای اخبار مختلف مربوط به کتاب‌سوزی

دستورالعمل «نظارت بر زندانیان دارای محکومیت مالی»

دوروز پیش سیدابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه دستورالعمل «نظارت بر زندانیان دارای محکومیت مالی» را ابلاغ کرد که متن آن به این شرح است: «باتوجه به مبانی شرعی و قانونی مبنی بر منع بازداشت‌بندگان مالی معسر و یا هدف جلوگیری از بازداشت محکومانی که قادر به ادای دین خود نیستند و نیز نظارت بر اجرای دقیق تکالیف مصرح در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۲/۲۳»، دستورالعمل نظارت بر زندانیان دارای محکومیت مالی» به شرح مواد اتی است. ماده ۱-۱ دادگاه‌ها موظفند در احکام صادره مشتمل بر استرداد عین، مثل یا قیمت اموال، میزان، نوع و مشخصات دقیق محکوم‌به یا قیمت آن را تعیین و در صورت بازداشت محکوم علیه به زندان اعلام تا محکوم‌به به دلیل ابهام در اوصاف مذکور در زندان نمانند و در مواردی که میزان نوع

و مشخصات دقیق محکوم‌به در حکم صادره اعلام نشده‌است، سازمان زندان ها موظف است اسامی زندانیانی که میزان دقیق محکوم‌به در مورد آنان مشخص نیست را فوراً به مرجع قضایی ذی‌ربط منعکس و رفع ابهام از محکومیت‌را پیگیری کنند. ماده ۲- در اجرای مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مبنی بر عدم حبس محکومانی که تا ۳۰ روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت‌اموال و دارایی‌های خویش، دعوی اعسار را اقامه کرده باشند و نیز توجه به شرایط اثبات اعسار محکومانی که مالی در عوض دین دریافت یا تحصیل نکرده یا مال تلف حقیقی یا حکمی شده است، روسای محترم دادگستری‌ها نظارت‌لازم را معمول تسامح مراجع قضایی قبل از احراز یا اثبات ملاتت مالی محکومان از معرفی به زندان خودداری کنند. ماده ۳- چنانچه برخی محکومان مالی به لحاظ عدم توان پرداخت محکوم‌به در زندان

بوده و تاکنون دادخواست اعسار تقدیم نکرده، مددکاران و کارشناسان قضایی، زندانیان مذکور را جهت تقدیم دادخواست مساعدت کرده و تسریع در رسیدگی پرونده‌های مذکور را پیگیری کنند. ماده ۴- در مواردی که محکوم‌به تقسیط شده یا در اجرای تبصره یک ماده ۳ قانون مذکور برای محکوم قرار کفالت یا وثیقه صادر شد، لکن میزان اقساط، خارج از توان مالی وی بوده یا قرار تأمین نامتناسب صادر شده باشد، روسای کل دادگستری‌ها ضمن نظارت و هماهنگی لازم با قضات مربوط ترتیبی اتخاذ کنند تا با اعمال اقدامات متناسب از بازداشت محکومان مذکور پیشگیری شود. ماده ۵- چنانچه برخی افراد به لحاظ عدم پرداخت نیم‌عشر مربوط به حقوق دولت بازداشت باشند، قضات مربوط با اخذ تعهدات لازم‌زمینه‌رهایی آنان را از زندان فراهم کنند. ماده ۶- سازمان زندان ها موظف است با بررسی سوابق،

مشخصات دقیق و اسمی زندانیانی را که به لحاظ عجز از پرداخت محکوم‌به در زندان هستند به صورت ماهانه به تفکیک هر استان و با ذکر جزئیات زیر تهیه و به تفکیک برای روسای کل دادگستری استان‌ها جهت نظارت بر امور این گونه زندانیان ارسال کند. الف- تاریخ بازداشت ب- شماره و تاریخ محکومیت صادره و شعبه مجری حکم پ- نوع و میزان محکومیت مالی و نوع اتهام، در صورتی که محکومیت مالی، رد مال کیفری یا ضرر و زیان ناشی از جرم باشد. ت- وضعیت رسیدگی به ادعای اعسار محکوم علیه و نتیجه آرای صادره در این مورد. ماده ۷- ب توجه به فراهم شدن زمینه شناسایی اموال افراد و ایجاد شناسنامه مالی از طریق سامانه‌های الکترونیکی، ازجمله بانک جامع املاک و شرکت‌ها و مالکیت‌های معنوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و نیز امکان بررسی حساب‌های بانکی و مالکیت خودرو، معاون اول

انقلاب حبس زندایی اقتصادی ویکنگرانی

و به‌ترت این است که تدابیر قانونی و ملاحظاتی برای پیش از وقوع جرم با اصلاحات قانونی و... اندیش‌سیده شود تا به جای خلوت کردن زندان‌ها، ورودی آنها را کاهش دهیم. به هر حال این دستورالعمل در بالاترین سطح ابلاغ شده و از ایسن پس اجرایی خواهد بود، بنابراین شرح و توضیح و توصیف آن خالی از لطف نیست.

محترم قوه قضائیه ضمن هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف، ازجمله مرکز آمار و فناوری قوه قضائیه، دادگستری‌ها و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، زمینه شناسایی سریع و دقیق اموال محکومان مالی فراهم بود در صورت توانایی مالی محکومان، حکم صادره از طریق اموال شناسایی شده اجراءود در صورت عدم توانایی مالی محکومان، زمینه آزادی آنان با تضمین لازم فراهم شود. ماده ۸- در اجرای مقررات ماده ۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مبنی بر جداسازی زندانیان دارای محکومیت مالی از دیگر محکومان کیفری، سازمان زندان ها مطابق قانون با همکاری دولت در اسرع وقت زمینه نگهداری و اشتغال محکومان مالی را در خارج از زندان فراهم می‌کند. ماده ۹- نظارت بر حسن اجرای این دستورالعمل برعهده روسای کل دادگستری استان‌ها و معاون اول قوه قضائیه است.»

دستورالعملی در راستای سیاست حبس زندایی

با این حال و در تشریح اثر گذاری این دستورالعمل در آزادسازی زندانیان محکومیت‌های مالی با رسول کوهپایه‌زاده حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری گفت‌وگو کردیم. او در این باره به «فرهیختگان» گفت: «در واقع این دستورالعمل درخصوص قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۹۴ است و رئیس محترم قوه قضائیه دستورالعملی صادر کردند در خصوص نحوه اجرایی کردن و تشریح عملیاتی سازی این قانون. کلیت این دستورالعمل و روح آن مطابق است با رویکرد مدیریت جدید قوه قضائیه در زمان ریاست آیت الله رئیسی که بر حبس زندایی اصرار و تا تأکید دارند. یعنی این در راستای این سیاست کلی قابل تفسیر است. ایشان چند محور را در این راستا مورد نظر و تأکید قرار داده‌اند. یکی تأکید بر قضات که از صدور قرارهای تأمین که منجر به بازداشت متهم می‌شود، خودداری کنند. مورد دیگر درخصوص بحث مهر به‌بود. زندانیان محکومیت ناشی از پرداخت مهریه که با دستورات خاص و ویژه‌ای صادر شد، از اعمال مجازات زندان دور شدند و از زندانی شدن محکومان مهریه خودداری شد و از آن طرف خیلی از زندانیان مهریه هم آزاد شدند. اینجا هم در واقع به نحوی کلیت محکومیت‌های مالی با یک تغییر بنیادین رویه‌رو شده است، به چه معنا؟ به این معنا که همه آن نقاطی که وجود داشت که در قانون اجرای محکومیت‌های مالی می توانست مانعی باشد جهت آزادی معسرین این دستورالعمل این موانع را برداشته است.»

تکلیف جدید کارشناسان ومددکاران

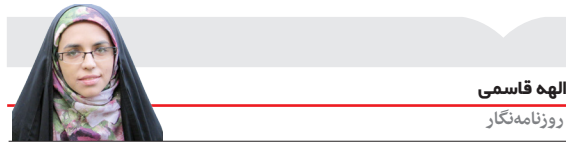
کوهپایه‌زاده در تشریح ماده یک این دستورالعمل ادامه داد: «ماده یک درخصوص محکومان مالی که حکم‌شان ابهام دارد، می‌گوید. یعنی نوع و مشخصات دقیق محکوم‌به معین نشده و به این جهت محکوم در زندان به سر می‌برد. سازمان زندان ها را مکلف کرده است که جهت رفع ابهام از مرجع قضایی سریعاً بخواهد که نوع و مشخصات دقیق محکوم‌به را مشخص کند. چون ما واقعاً زندانیانی داریم که در زندان هستند و به دلیل همین ابهامات پرونده‌شان به‌کندی پیش می‌رود و آزادی‌شان به تعویق می‌افتد. مورد دیگری که وجود دارد اینکه برخی افراد اساساً آگاهی از اینکه می‌توانستند دادخواست اعسار بدهند، ندارند و اگر دادخواست اعسار می‌دادند شاید در پروسه‌ای قرار می‌گرفتند که محکوم‌به زندان نمی‌شدند. برای همین ماده سه مددکاران و کارشناسان قضایی را مکلف کرده در تنظیم دادخواست و پیگیری موضوع جهت تسریع و مساعدت برای تنظیم دادخواست اعسار و آزادی آنها اقدام کنند. واقعاً هم این‌طور هست، چون خیلی از محکومان هم به دلیل عدم آگاهی حقوقی اسامی هیچ وقت دادخواست اعسار ندادند.»

دلیل عجز مالی نمی‌تواند بدهی‌اش را پرداخت کند و در زندان هم سلول است با کسی که مرتکب قتل شده، با کسی که مرتکب جرائم سنگین شده است. در ماده دوم نکته‌ای وجود دارد. در مورد محکومانی که مالی دریافت نکردند یا مالی را دریافت کرده و آن مال تلف شده، در مورد اینها هم به نوعی بار اثبات دعوا تغییر پیدا کرده و گفته است به جای اینکه آن مدعی اعسار بیاید و اعسار خودش را ثابت کند، به مرجع قضایی دستور داده شده که این مرجع باید توانایی مالی محکوم را احراز کند و تا قبلی از اینکه احراز شود آن راه به زندان معرفی نکند. این به نوعی یک تغییر بار ادله اثبات دعوا هم هست. یک‌سری کارهای نظارتی هم وجود دارد و گفته شده که سازمان زندان ها و روسای کل دادگستری‌ها مکلفند هر ماه آمار بدهند و وضعیت و شرایط را اطلاع‌رسانی کنند تا بدانیم چه اتفاقی می‌افتد. در ماده هفتم هم گفته شده است که بانک جامع اطلاعاتی درخصوص املاک، اموال، شرکت‌ها، حساب‌های بانکی، مالکیت خودروها و... با همکاری مرکز آمار و فناوری قوه قضایی درست شود تا زمینه شناسایی اموال محکومان فراهم شود و در پیدا کردن مال کسانی که مال دارند و می‌خواهند از انجام تعهدشان استکفاب کنند تسریعی صورت گیرد.»

یک تحول بنیادین اتفاق افتاده است

این وکیل دادگستری ادامه می‌دهد: «همان‌طور که مستحضرد در همه بحث‌های محکومیت‌های مالی نهایتاً یک هزینه‌ای به اسم نیم‌عشر دولتی را خود دادگاه دریافت می‌کند. در این موارد هم مافکر می‌کنم تعداد قابل توجهی از افراد را داریم که به دلیل عدم توانایی در پرداخت این نیم‌عشر دولتی زندانی هستند. اینجا هم پیش‌بینی شده که از اینها تعهد لازم را اخذ آزادشان کنید. می‌خواهم عرض کنم اساساً من فکر می‌کنم یک تحول بنیادینی اتفاق می‌افتد که ذیل آن در زندان‌ها مای می‌شود و محکومان مالی همه از آن خارج می‌شوند. چون زندانی شدن محکومان مالی از چند فرض خارج نیست، تمام این فرض‌ها ازجمله اینکه مثلا ابهام داشته یا طرف نمی‌دانسته است که اعسار بدهد یا اعسار داده و پذیرفته شده و تقسیط شده اما آن راه نمی‌تواند پرداخت کند، در نظر گرفته و گفته شده است که باز راهکاری ببیند شبید که اینها آزاد شوند و بازداشت نشوند. مضاف بر اینها نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم و از نکات مثبت آن است، اینکه زندانیان مالی از دیگر محکومان جدا شوند. این هم کار درستی است. به هر حال یک نفر به

گزارش



الهه قاسمی

روزنامه‌نگار

هفته ابتدایی بهمن ماه یا چند خبر جنجالی در حوزه قضایی آغاز شد. اخباری که زمزمه‌های آن پیش از این شنیده شده بود اما اعلام اجرایی شدن «سهمیه‌بندی طلاق» و «اعمال سقف درآمدی برای دفاتر رسمی اسناد»، محافل رسانه‌ای و حقوقی را با جوتازهای روبه‌رو کرد. فسادی که سال‌ها بود درباره تبعات آن حرف زده می‌شد ولی کاری برای جلوگیری از آن صورت نمی‌گرفت. اقدامی که در صورت اجرای صحیح آن عملاً دست دلان را در ایجاد زه و بند و به نوعی تئانی کوتاه خواهد کرد و در یک بازه زمانی مشخص عدالتی را میان دفاتر طلاق و ازدواج و دفاتر رسمی ثبت اسناد ایجاد خواهد کرد. هرچند اعلام همه این مسائل در کنار هم، موجب نماندیده گرفتن شدن برخی جزئیات آن و شاید جراحی قوه قضائیه در طول سال قیبل رایت کند و اجازه ثبت بیش از آن را نخواهد داشت. هرچند این موضوع با است. باید به این نکته نیز اشاره کرد که کوتاه‌شدن دست عده‌ای از منفعتی که سال‌ها از آن بهره‌مند بودند، قطعاً با اعتراضات این افراد نسبت به کاهش درآمدشان همراه خواهد بود اما اجرایی شدن این موضوع در ادامه کار به نفع منفعت عمومی شهروندان است.

جزئیات ۴ اقدام مهم قضایی

آبان ماه امسال بود که دبیح‌الله خدیابیان، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از راه‌اندازی سامانه تعیین سقف درآمدی دفاتر اسناد رسمی و اسوی مسئولان دستگاه قضایی رسیدگی به نارضایتی برخی دفترخانه‌ها از توزیع درآمد ناشی از طلاق خبر داد؛ موضوعی که با اجرای موفق پایلوت دو طرح «محدودیت سقف درآمدی سردفتران اسناد رسمی» و «سهمیه‌بندی طلاق در دفاتر طلاق و ازدواج» تصمیمات نهایی برای اجرایی کردن آن در کل کشور اتخاذ شد. براساس فرمول در نظر گرفته شده برای تعیین سقف درآمدی سردفتران اسناد رسمی، هر دفترخانه اسناد رسمی اجازه خواهد داشت تا دو برابر میانگین درآمدی سندهای صادره در سال قبل رایت کند و اجازه ثبت بیش از آن را نخواهد داشت. هرچند این موضوع با موافقان و مخالفانی همراه نبود ولی حقوق‌های نجومی برخی دفترخانه‌ها عملاً صدای همکاران کم‌رونق‌تر را درآورد بود. محدود شدن این مساله در کنار سهمیه‌بندی طلاق ازجمله موضوعاتی بود که منجر به تغییر و تحولات اساسی در دفاتر طلاق و ازدواج شد؛ محدودیت‌هایی که با توجه به میانگین ثبت طلاق در دفاتر ازدواج و طلاق به اضافه ۲۰ درصد عدد به دست آمده مبنایی برای اعمال محدودیت طلاق در دفاتر طلاق و ازدواج شد. موضوعی که در اینجا دست دلان را کوتاه خواهد کرد و دفترخانه‌ها با محدودیتی در این زمینه مواجه خواهند شد. این اقدام ها گفته برخی کارشناسان جلوی درآمدهای چندصد میلیونی سردفتران را می‌گیرد و عملاً عدالتی را در این زمینه بین همگان ایجاد خواهد کرد. با این وجود کارشناسان معتقدند این طرح هم در اجرایی شدن خود با مشکلاتی روبه‌رو است که باید تا اجرایی شدن کامل آن صبر کنیم و عملاً اجرایی شدن طرح ارجاع به این مساله کمک بیشتری خواهد کرد.

چرا ثبت طلاق در دفترخانه‌ها محدود شد؟

ایده‌ای برای رانت‌زدایی

اجرایی‌شدن طرح ارجاع مبنایی تر از سهمیه‌بندی است

در این میان به سراغ رئیس یکی از دفاتر ازدواج تهران رفتیم و این موضوع را با او در میان گذاشتیم. اومی‌گوید اصلاً در دفترش کار طلاق را انجام نمی‌دهد و آشنایی‌اش با این مساله برحسب تجربه و سال‌ها کار کردن در این حوزه است.

محمدحسن آقایی، رئیس دفتر ازدواج شعبه ۲۶۰ تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به تشریح نکات مثبت و منفی طرح سهمیه‌بندی طلاق پرداخت و گفت: «در اجرایی شدن این طرح باید گفت اعمال سقف محدود برای دفترخانه‌ها در امر طلاق بد نیست و بهتر از این است که هیچ کاری در این حوزه انجام ندهیم اما اجرایی شدن آن نیازمند شروطی است که باید به آن توجه کرد. در اینجا براری هر دفترخانه در هر استان سقفی تعیین می‌شود که بیشتر از آن نمی‌تواند ارباب‌رجوعی را بپذیرد و در این صورت افراد مجبورند به دیگر دفترخانه‌ها مراجعه کنند. اجرا شدن این طرح بهتر از اجرا شدن آن است، چرا که شاهد بودیم یک دفترخانه با همکاری دلان و کارکنان دادگاه از دفترش مشتریان بسیاری برخوردار بود و دفتر دیگری عملاً مشتری چندانی نداشت ما در دفترخانه‌هایی را در تهران داشتیم که سالانه دوهزار طلاق را در دفترشان ثبت می‌کردند و عملاً دفاتر ثبت مساله ۲۰ ارباب‌رجوع هم نداشتند. این منطقی و عادلانه نبود در نتیجه با اجرایی شدن این طرح عدالتی میان همکاران ایجاد می‌شود. من و جمعی از دوستان همچنان به دنبال طرح ارجاع هستیم؛ چرا که این سهمیه‌بندی هم به صورت آزمایشی درحال اجراست، قبلاً در دو استان همدان و تبریز اجرا شد و درحال حاضر به صورت کشوری اجرا می‌شود که قطعاً اشکالات آن بیشتر نمایش داده خواهد شد، در نهایت ناچار به اجرای طرح ارجاع هستیم. در رابطه با طرح ارجاع هم باید بگویم پیش‌بیناد من آن ابتدا به قوه قضائیه اجرایی شدن این طرح بود، به این صورت که در این شرایط از طریق سامانه دادگستری، دادنامه‌ها به کارتابل دفترخانه‌ها مستقیماً ابلاغ می‌شود. با این شرایط جلوی بحث دلالی و واسطه‌گری گرفته می‌شود و یک پیامک برای صاحبان دادنامه ارسال و به نزدیک‌ترین شعبه نزدیک محل زندگی خود ارجاع می‌شوند. در اینجا نیازی به دادنامه کاغذی نیست، علاوه بر این جلوی جعل و دستکاری دادنامه هم گرفته می‌شود. از طرفی فساد اداری از بین می‌رود و در روند بروکراسی اداری؛ چه در وقت و چه در مصرف کاغذ صرفه‌جویی می‌شود. عملاً این کار فایده‌های زیادی دارد؛ گویا قوه قضائیه هنوز در این مساله را قبول نکرده و آن را به منزله گرفتن اختیار از افراد تلقی کرده است. هرچند در دعای حقوقی محل دادگاه براساس محل خوانده تعیین می‌شود و این هم می‌تواند بر همان اساس تعیین شده و عملاً یک مساله حاکمیتی است که اختیار در آن معنا ندارد. با توجه به اینکه قرار است یک طلاق تنها در یک دفتر ثبت رسمی شود، چه تفاوتی دارد که در کدام دفترخانه اعمال شود. ارقام تعیین شده در استان‌ها براساس

دوشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۸ شماره ۲۹۶۹

جامعه

۱۹

نقد و تحلیلی بر دستورالعمل جدید قوه قضائیه

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی - **سردبیر:** مسعود فروغی

دفتر مدیرمسئول: ۰۱۶-۶۱۳۳۴۸۰۱۲ **تحریریه:** ۰۱۸-۶۱۳۳۴۸۰۱۸ **فکس:** ۰۵۱-۶۱۳۳۴۸۰۴۷ **۰۱۸-۶۱۳۳۴۸۰۴۱**

روابط عمومی: ۰۴۹۹-۶۱۳۳۴۸۰۱۲ **سازمان آگهی‌ها:** ۰۱۸-۶۱۳۳۴۸۰۴۱

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۰۱۲-۶۱۳۳۴۸۰۱۱

نشانی: خیابان حافظ، پلاک ۱۲، روبروی روستای ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

داشته باشد. توضیحی که در ابتدا باید در اجرای این طرح بدهم اینکه برخی گزارزی‌ها به نحوی این طرح را معرفی کردند که گویی این سهمیه‌بندی همچون کوپن‌هایی است که به هر دفتر داده می‌شود، درحالی که این گونه نیست. اولاً ثبت طلاق کاملاً الکترونیکی صورت می‌گیرد و در سامانه ثبت وقایع سازمان ثبت اسناد در ج می‌شود. به این ترتیب برای هر سردفتر کدی تعبیه شده که با استفاده از آن می‌تواند از محل دفترخانه‌اش به سامانه متصل شود، در نتیجه زن و شوهر باید حتماً به آنجا مراجعه کنند و این مساله قابل واگذاری نیست. اگر این ظرفیت در یک دفترخانه پر شود، عملاتی‌توانند کاری انجام دهند و افراد باید به دفاتری مراجعه کنند که هنوز سهمیه دارند. در این طرح سعی کردیم کل دفترخانه‌های کشور از یک میزان ثبت طلاق در کشور بهره‌مند شوند و طی یک‌سال به یک نسبت این میزان افزایش داشته باشد. حتی اگر در این شیوه فردی اهل زه و بند باشد، ظرفیتش تکمیل شده و باید مشتریان به دفترخانه‌های دیگر مراجعه کنند، در نتیجه برای فرد صرفه اقتصادی ندارد که بخواهد با زودبند ثبت طلاق زن و شوهری را قبول کند که حق‌التجریز آن برای خود این افراد هم محاسبه نمی‌شود. دفترخانه‌ها در این شرایط بدون کمک دلال‌ها یا زودبند با مراجعه افراد روبه‌رو خواهند شد و با اجرایی شدن این طرح در دفترخانه ظرفیت مشخصی برای طلاق خواهد داشت. برای مثال در استان تهران این میزان ۱۸۲ مورد است. با این طرح زودبندها جمع می‌شود، چرا که در سامانه با GPS سیستم لوکیشن جغرافیایی فعال می‌شود تا افراد نتوانند تنها در محل دفترخانه اقدام کنند و اگر بخواهند سیستم خود را از دفتر بیرون ببرند، عملاً میسر نخواهد بود.

در باره نهایی شدن این سیستم در تمامی دفترخانه‌ها هم باید بگویم ما درخواست خود را در این زمینه ارائه کردیم و اکنون واحد فناوری سازمان ثبت باید این مساله را نهایی کند تا هرچه زودتر این موضوع اجرایی شود. البته باید به این نکته اشاره کرد که ۹۵ درصد این صنف با شرافت زندگی می‌کنند و پنج درصد در صنف ما مفسده ایجاد کرده و راضی بودند همه تلاش خود را کنند تا هرچه زودتر زن و شوهر از یکدیگر طلاق بگیرند و مبادا با هم آشتی کنند. این مساله برای کانون سردفتران تنها مساله‌ای صغفی نبود، چرا که با اساس و بنیاد خانواده در ارتباط بود، تعارفی هم نداریم و عملاً با ورود سیستم حکومتی توانستیم این قضیه را به سرانجام برسانیم تا با حفظ حقوق شهروندان این امر مدیریت شود. پیش از اجرایی شدن این طرح البته بخش پایلوت آن در دو استان همدان و تبریز به مدت ۶ ماه اجرایی شد که آثار خوبی هم داشت؛ چرا که علاوه بر رضایت مردم، سردفتران و قضات توانست فساد و لابی کارکنان دادگاه را نیز در هم بشکنند.»

مظفری درباره ضروریات اجرایی شدن طرح ارجاع هم تأکید کرد: «این امر نیازمند قانون است و مجلس باید در این زمینه تصمیم‌گیری کند که ما هم طرحی با همین مضمون در دست اقدام داریم تا با شروع مجلس جدید ارجاع دادنامه‌ها از دادگاه به دفترخانه‌ها قانونی شود. در آن صورت پرونده‌ها به شعب مختلف دستگاه قضایی ارجاع و دادنامه‌های طلاق هم به صورت الکترونیکی به دفترخانه‌ها ارسال می‌شوند. در شرایط فعلی این طرح را اجرایی کردیم تا زه و بندها و فسادها در این زمینه کاهش یابد و در مرحله بعدی این سیستم ارجاع را قانونی خواهیم کرد تا دادگاه‌ها خود در این زمینه تصمیم بگیرند. در نظر داریم در یک سیستم کلان‌تر تمامی زودبندها را از بین ببریم.»